

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی
۲۴ دسمبر ۲۰۱۴

افشای انقیاد طلبان، خاینان ملی، محلیگرا ها، قومپرستان و .. وجیبه و دین ملی و انقلابی می باشد!

چهره یک جاسوس را که، در میدان هوایی بگرام مشغول «خدمت» به امپریالیسم می باشد؛ بشناسید!

<https://www.facebook.com/hosnasadat2013?fref=ufi>

این چار پای مکاره که خودش را «انجنیر خلیل الله خلیلی» می خواند، مدعی می شود که پدر و تعدادی از اعضای فامیلش تحت درفش (ساما) مبارزه و جان باخته اند. فعلاً در این مورد بحث نمی کنم زیرا عملکرد های فرد، به فرد مربوط می شود و میراثی نمی باشد. بسیاری از فرزندان و اعضای فامیل های رهبران انقلابی و شخصیت های ملی، در زرق و برق دنیای سرمایه، حل و مل و بی خاصیت شدند و راه بزرگان شان را هرگز تعقیب نکردند و غرق عیش و نوش و همچشمی ها می باشند.

«انجنیر خلیل الله خلیلی»، داغ ننگی است بر جبین فراغ مردم شریف «سیدخیل - پروان». وی چنان از مسعود/ربانی و دیگر سگان جمعیتی و شورای نظاری، تمجید و ستایش می دارد، تو گوئی از خدا و رسول و اصحابش تعریف و توصیف، پیروی و پرستش می نماید و در عین حال از اسم (ساما)ی قهرمان رهبران انقلابی و رزمندگان سوء استفاده های سیاسی و ملیتی می کند!

۱۲۰ تن از بهترین و پاکباز ترین فرزندان افغانستان، رزمندگان سامانی و در پیشاپیش آنان زنده یاد «پهلوان احمد جان»، توسط «احمد شاه مسعود»، این سگ وفادار پاکستان و روسیه و جاسوس امپریالیست های غربی، قتلعام شدند و در گوری دستجمعی در کنار زندان «چاه آهو» در پنجشیر، دفن گردیدند. مسعود/ربانی و «گلبدین» نخستین وطنفروشان و بی ناموسانی بودند که در تبانی با روسها و نوکران خلقی- خادی و پرچمی شان، بالای جبهات (ساما) حمله کردند و دهها چریک سامانی را به شهادت رسانیدند و جبهات رزمی (ساما) را به کلی منهدم ساختند. اسناد معتبری را با لیست نام هائی ۱۲۰ تن از جانبازان (سامانی) که توسط «مسعود» جلا، مادر فروش و فاشیست کشته شده بودند؛ از طریق «فیسبوک»، بار ها به غرض اطلاع و آگاهی مردم در معرض خواندن قرار داده ام. در اثر اسناد و شواهد موثق، یکعده ای از انقیاد طلبان، خادیت های شورای نظاری «کلکانی» که بعد از تسلیمی به روسها و (خاد)، نسبت تعلقات قومی، بعداً با «جمعیت» و «شورای نظار» پیوستند. حالا همان وطنفروشان و تسلیم طلبان ملی، به طرف و دور قبور کثیف مسعود و ربانی سجده نموده، نماز شکرانه ادا می دارند، طواف می کنند و آن جاهلان اخوانی، سگان وفادار روسیه و پاکستان و جاسوسان امپریالیسم جهانی را همچو خدای شان نیایش کرده و می پرستند. این وطنفروشان و شرفبازان که مرتکب خاکفروشی و ناموس فروشی گشته و به دشمن خونی مردم ما یعنی

سوسیال امپریالیسم شوروی تسلیم شده اند؛ این را به خوبی می دانند که روزی در محکمه سامائی کشانیده شده ، و به اشد مجازات محکوم می گردند، بناءً این سفله ها و سیانه های روزگاران، به خاطر حفظ و بقای سیاسی و اجتماعی شان و ترس از محکمه سامائی، به دامان «جمعیت» و «شورای نظار» پناه برده اند و میزبانان جمعیتی/شورای نظاری شان نیز از آنان به مثابه کاغذ تشناب هائی ارزان قیمت استفاده ها کردند و می کنند. نمونه بارز و درخشانش «سردار» و دوستانش بود که بعد از استفاده (پخته پرانک) شدند «صمد سنگین» و «فاروق سرباز» نیز در دام شیدای های صیادان جمعیتی و شورای نظاری گیر کردند و بعد از استفاده جوئی های سیاسی از آنان، به شکل فجیعی توسط جمعیتی ها کشته شدند .

انقیاد طلبان، خادیس های شورای نظاری «کلکانی» و اطراف و اکناف کوهدامن، نخستین بی ناموسانی بودند که آتش مسائل زبانی، قومی و منطقه ئی را برافروختند و خویش را «خراسانی» و «افغانستانی» قلمداد نمودند و خواندند تا با این نوع تاکتیک های ارتجاعی و ضد ملی، بقای شان را برای مدت زمانی دیگر تضمین دارند. این نسل روسپیان دوره گرد با استفاده از شرایط مساعد، «فیسبوک» را محل خوبی برای تبلیغ اهداف شوم و ارتجاعی شان بر گزیدند و مذبوحانه و جیونانه، از اسم و رسم مبارزانی(ساما)، رهبران، کادر ها و جانبازان سامائی استفاده هائی سیاسی و منطقه ئی نموده و برای شان اعتبار و هویت جست و جو می کنند و در عین حال به گرد «شورای نظار» جمع شده اند و از قاتل ۱۲۰ تن سامائی یعنی سردمدار اخوانی ها، «مسعود» جلد به تعریف و تمجید پرداخته و ریش «ربانی» گوه در گوه را در خانه های شان تبرک نگاه داشته بمانند خدا پرستش می کنند. این فرومایگان و نوکران سوسیال امپریالیسم، که فعلاً در دولت و حکومت پوشالی کابل، کرسی های بلندی را اشغال نموده اند، در پهلوی خدمت و جاسوسی به تجاوزگران امپریالیست، در (انجو) های امپریالیستی نیز مشغول خدمت می باشند و «ریاست امنیت ملی» را نیز اداره می کنند. این گفتاران و شغالان، در پهلوی دفاع از سایر جنایتکاران و خاینان ملی، نوکر بی سواد انگلیس و اخوانی افراطی، دزد و وطن فروش مشهور «حبیب الله کلکانی» مشهور به (بچه سقاء) را «امیر حبیب الله خادم دین رسول الله»، ناجی آزادی و فرشته بی بدیل تحمیل می کنند و از گلیم چرکین شان پا فرا تر گذاشته آن جاهل ضد تمدن و ترقی را «عیاری از خراسان» می خوانند؛ در حالی که، (بچه سقاء) یک خاین ملی بود و باعث سقوط مدرنترین دولت در تاریخ افغانستان گردید؛ نفرین و لعنت بر (بچه سقاء) و نفرین و لعنت بر بز پرستان و خر پرستان. تسلیم طلبان این نوکران حلقه به گوش «جمعیت» و «شورای نظار»، در تلاش اند تا با این گونه عوامفریبی ها؛ راه را برای بدنامی تاریخی (ساما) ، هموار ساخته و ذهنیت ها را در مقابل این سازمان طراز نوین مخدوش نموده برانگیزند .

در این برهه زمانی تف طفیلی تحت اسم مستعار «انجنیر خلیل الله خلیلی»، از کدام گوری پیدا شده است و در وصف جمعیتی ها و شورای نظاری ها یخن و تنبان و گلو پاره کرده و «ضرار احمد مقل عثمانی»، جنایتکار جمعیتی را نماد وطنپرستی، صداقت، مدنیت و اصالت انگاشته انجنیرش می خواند و از «خدمات» ۱۳ ساله اش یخن پاره می کند و بی محابا جار می زند:

"فرزند پر تلاش و پرآوازه افغانستان انجنیر ضرار احمد "عثمانی" با کارمندان وزارت امور خارجه به خصوص دیپلمات های جوان افغانستان با حضور داشت نماینده های مردم در ولسی جرگه و دیگر شخصیت های مطرح افغانستان خداحافظی نمود .

انجنیر ضرار احمد "عثمانی" یکی از شخصیت های بارز و برجسته این ملت است که در طول سیزده سال در پست های مختلف کار نموده است و فرهنگ ملت سازی را در محلات کاری اش نهادینه ساخت و خارج از هرگونه تبعیض کار نمود. ما به موجودیت وی افتخار می کنیم و تا زنده باشیم از وی حمایت می کنیم".

شما به صفحه فیسبوک این شرفیافته و افسار گسیخته مراجعه کنید نخست به بی سوادى اش پی می برید و دوم مشاهده می کنید که صفحه فیسبوکش به تربیون تبلیغاتی نسل روسپیان و وطن فروشان ۱۹۹۶-۱۹۹۲ عیسوی، مبدل شده است! از وی پرسیدم که:

اگر پدرت واقعاً «سامائی» بود، هیچ گاهی از «جمعیتی» ها و شورای نظاری ها به تعریف و توصیف نمی پرداختی و با آنان نمی پیوستی و بالای خون پدرت تجارت نمی کردی؟

وی چنین جواب داد:

"خو به هرحال من دیگر چاره نداشتم و در بین بد ها یک بدی را انتخاب کردم که بدی اش نسبت به دیگران کم است. مه در منطقه ای زندگی می کنم که تمام شان قاتل است اما در بین قاتلین قاتلی را انتخاب کرده ام که نسبت به دیگران دستش به خون ملت آلوده نیست".

فکر کنم که، این فرد مست و الست و چرسی و بنگی نیز می باشد و استقرار فکری ندارد، ضد و نقیض می نویسد. وی می گوید که: "در بین قاتلین قاتلی را انتخاب کرده ام که نسبت به دیگران دستش به خون ملت آلوده نیست".

قاتل به معنی آدمکش می باشد و بنابر گفته این (جمبوره)، دست پدر خوانده اش که جلا د جمعیتی و شورای نظاری می باشد، در خون ملت آغشته نمی باشد. به هر صورت جریان جروبثم را با «انجنیر» خلیل الله خلیلی به نشر می سپارم تا کمی بخندید و هم سطح و سویه یک «انجنیر» را مشاهده فرمائید که تحقیر را تعقیر می نویسد و!!.....

افرادی دیگری که از خود چیزی ندارند و همیشه از این و آن «سایت»، کاپی می دارند و اگر چیزی هم می نویسند؛ تو گوئی که، با پای چپ نوشته اند و حتی نمی توان سویه شان را با شاگردان کورس اکابر هم سطح دانست. این مداری های بیمار و سکتاریستان عاری از شرف و فاقد وجدان که خویش را تحت اسم هائی زنده یاد معلم صاحب عبدالستار کلکانی، زنده یاد عبدالمجید کلکانی، زنده یاد قیوم رهبر و دیگر کادر ها و رهبران سامائی، همچو سیاه سرک ها پنهان کرده اند، حتی در امریکا و کانادا هم جرأت شان سلب گشته است که با نام اصلی شان بنویسند و خویش را به مردم معرفی دارند تا مردم پهلوان پنبه ها را بشناسند.

نا گفته نماند که در مجموع علاقه داری کوچک «کلکان» و اطراف و اکناف آن، بیشتر از سایر نقاط کشور شهید نداده اند. زنده و جاوید مجید و زنده و جاوید رهبر، کندهاری و از تبار بارکزائی بودند. تحت درفش (ساما)، صد ها شهید و جانبخته مربوط به همه ملیت های ساکن کشور بالاخص کابلی و هراتی جانبخته اند و (ساما) یک سازمان سرتاسری، فرا ملیتی و فرا قومی بود. انقیاد طلبان کلکانی با چند تا محلیگرا و سکتاریست دور و برشان، برای بدنایمی (ساما) آستین هائی شان را بر زده اند، باید این میکروب های جامعه، بی رحمانه افشاء و رسوا شوند و این را نیز بدانند که، (ساما) میراث بابیه و نه نه هائی شان نبوده بل یک سازمان طراز نوین ملی و مترقی و پیرو اندیشه مارکسیزم-لنینسیم-اندیشه مائوتسه دون بود و رهبران، کادر ها و صفوف بالائی اش همه و همه پیرو اندیشه مارکسیزم-لنینسیم-اندیشه مائوتسه دون بودند و اگر کس و یا کسانی فعلاً ادعا نماید سامائی است می باید مارکسیست-لنینست-اندیشه مائوتسه دون باشد، در غیر آن دزدی است که می خواهد تاریخ درخشان ساما را سرقت نماید.

حیاء از برترین صفات اخلاقی است که شرافت و شخصیت انسان را تضمین نموده، سعادت و خوشبختی او را حفظ و پاسداری می نماید. اگر پرده حیاء و شرم دریده شود، انسان دست به هر کار زشت و وقیحی می زند.

بعد از وقوع کودتای روسی ۱۹۷۷ میلادی و به تعقیب آن تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی در ۱۹۷۹ عیسوی بر حریم میهن باستانی مان و به کرسی نشستن زنازادگان پرچمی و خلقی بر اریکه قدرت سیاسی، شعله های مقاومت میهنی در دره ها و ستیغ کوهساران وطن بر افروخته شد و در مدت زمان کوتاهی تمامی افغانستان را فروزان نمود. برپا دارندگان آتش ها و برافروزندگان شعله های فروزان آزادگی و عزت افغان و افغانستان در تاریک ترین ادوار

تاریخ مشعل آزادی و آزادی را در دست گرفتند و به مصاف روسها و نوکران داخلی شان شتافتند، جانبازی ها و فداکاری ها نمودند، حماسه ها آفریدند و از هیبت مبارزاتی شان کاخ «کرمین» را به لرزه در آوردند و دیری نپائید که مقاومت فرزندان راستین این دیاران، خرس هائی قطبی را مجبور ساخت تا با سر های خم، جیحون را عبور نموده حتا عقب سر هائی خویش را هم نگاه نکنند و گور شان را گم نمایند.

سی و سه سال و اندی است در افغانستان تحت سلطه رژیم های وطن فروش و آدمکش وابسته به سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم، ارتجاع منطقه و فرامنطقه، حبس و ترور، ویرانگری، آدمکشی و سرکوب و اعدام حاکم است. در زمان حاکمیت مزدوران روسی، زندانیان سیاسی متحمل وحشیانه ترین شکنجه های روحی و جسمی گردیده و خودکامگی و استبداد عنان گسیخته خلقی، خادی و پرچمی، حد و مرزی نمی شناخت. در طول این سال های کشتار و وحشیگری، هزاران تن از مبارزان و آزادیخواهان، به دست جلادان رژیم پوشالی و به امر بادران روسی شان به قتل رسیده و انبوه عظیمی از این انسانهای مقاوم و مبارز، در گورستانهای نامعلوم، به طور دسته جمعی، مدفون شده اند. علی رغم تمام سرکوبگری ها و زورگوئیهای روسها و نوکران بومی شان، مبارزات توده های محروم و زحمتکش، اسیر و دربند افغان برای آزادی، علیه رژیم کودتا و بادران روسی شان شدید تر شد تا آن که به شکست تاریخی روسها و نوکران داخلی اش انجامید.

منظور از نوشتن جملات بالائی این است که در جنگ مقاومت ملی و میهنی اکثریت مردم افغانستان اشتراک نموده اند، مبارزه و مجادله کردند، خون و قربانی دادند و تنها ولسوالی پنجشیر با نفوس آنزمانش که بیشتر از ۹ هزار خانواده نبود و یا علاقه داری کوچک کلکان بیش از چند صد خانواده نفوس نداشت، ناجیان و سرداران آزادی نیستند بل اکثریت مردم افغانستان ناجیان و سرداران آزادی ملی می باشند. (ساما) من حیث یک سازمان انقلابی و پیشتاز در صحنه سیاسی و نظامی تبارز کرد و با مردمش یکجا علیه کودتاچیان و تجاوز گران رزمید و بیشتر از همه سازمان های انقلابی جنگید و قربانی داد. اگر انقیاد طلبانی از طریق ماورای مجازی مایه بد نامی (ساما) می شوند، یکعده تسلیم طلبان بی ناموس دیگر نیز از شرایط موجود کشور استفاده کرده و از طریق تلویزیون ها و یا بر پا داشتن محافلی در گرامیداشت از خیانت ها و وطنفروشی های (بچه سقاء)، به زعم کثیف شان؛ آخرین میخ تابوت (ساما) را می کوبند و اما بی خبر از آنند که، این روز هم پایدار نمی ماند و می گذرد. همانطوری که «بیرک» روباه، فریاد می زد که: "انقلاب کبیر ثور بر گشت ناپذیر است." اما مقاومت خلق های افغانستان نیست و نابودش کرد. اگر تسلیم طلبان امروز عر عر می کند که دیگر (ساما) وجود فزیکی ندارد سخت در اشتباه اند زیرا (ساما) به نیروی مادی مبدل شده است و اخگری زیر خاکستر است و در وجب وجب خاک عیاران موجودیت فزیکی دارد. اگر طوفان انقلاب به وزیدن آغاز کند (خوریچ-قوغ) آتش (ساما) از زیر خاکستر شعله ور می گردد و مرتدان و انقیاد طلبان و همه دشمنان داخلی و خارجی افغان و افغانستان را نیست و نابود می سازد. به لق لق سگ های تر شده و بویناک، دریا مردار نمی گردد و آنکھی که امواج دریا بخروشد خس و خاشاک را می روبد.

مرگ بر انقیاد طلبان!